



(مقاله پژوهشی)

اعتبارسنجی حکمت ۱۳۶ با تمرکز بر عبارت "جهاد المرأة حسن التبعل"

معصومه ریعان^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۱
(از ص ۱ تا ۱۹)

چکیده

نهج البلاغه به مثابه اخ القرآن و اولین تفسیر از آیات قرآن، سرشار از معارف و لطایف آسمانی است که از زلال ناب دریافت‌های ربانی مفسر خبر می‌دهد. در کنار انبوه آموزه‌های این منبع معتبر، اما بر اثر خطای مؤلف، برخی اطلاعات نادرست نیز گردآوری شده و متن والای آن را نیازمند جداسازی سره از ناسره نموده است. از جمله این موارد توصیفات جنسیت‌زده برخی متون در مورد زنان است که آنان را فرودستانه بازنمایی نموده است. یکی از این گونه سخنان، تشویق زنان به خانه‌نشینی و الزامات آن - شوهرداری - است که آن‌را تا حد جهاد فی سبیل الله ارتقا بخشیده است. در این مقاله عبارت "جهاد المرأة حسن التبعل" مورد اعتبارسنجی متن و سند قرار گرفته و الحاق این عبارت را به حکمت ۱۳۶ از اضافات راویان و از نمونه‌های اندیشه‌های برساخته، نسبت به زنان دانسته است. این عبارت پیش‌تر از نهج البلاغه، در روایات کلینی و صدوق وارد شده و تحلیل سند آن‌ها نشان می‌دهد از ساخته‌های جاعلان بوده و به علی (ع) منتسب گردیده و بعدها همان متن، توسط غالبان به امام هفتم منسوب شده است. در حالی که چنین پیشینه‌ای در کتب متقدم اهل سنت وجود نداشته و در قرن چهارم متأثر از متون شیعه در کتب متأخرین آن‌ها وارد گردیده است. این عبارت در درون متن نیز با سیاق و گفتمان سخن، هم‌خوانی نداشته و بر متن ادراج شده است و نشان‌دهنده گفتمان فقهی قرن دوم و سوم در تفسیر زنان است که نگاه‌های فرودستانه این دوران را نسبت به زنان نمایندگی می‌کند.

کلید واژه‌ها: حکمت ۱۳۶، جهاد المرأة، حسن التبعل، زنان.

۱. استادیار گروه الهیات دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

*: نویسنده مسئول

۱. مقدمه

تجربه زیسته انسان ها می گوید اولین تعریف از مردان و زنان، به لحاظ جنبه فیزیولوژیک آنان بوده و نقش های چندگانه ای را در این جهت برایشان طرح ریزی کرده است. در این راستا زنان به لحاظ سنتی در نقش مادری، همسری، خانه داری و مراقبت از دیگران، و مردان در نقش نیروی کار و برنامه ریز طبقه بندی می شوند. این تقسیم بندی در مذاهب رسمی رنگ و بوی ایمانی نیز یافته و تعاریف تاریخی را تا جنبه قدسی ارتقاء داده است. حال آنکه ذات این گونه تعاریف، مبتنی بر محدودیت های جنسیتی طراحی شده و به دست مردان در منابع دینی چنین قداستی یافته است. نشانه های زیادی در بافت چنین سخنانی مؤید آن است که این نوع دیدگاه در بسیاری از متون، از خارج درج شده و با شباهت های لفظی متن اصیل، درهم آمیخته و گویا متنی یکدست از زبان بزرگان دینی پیشنهاد گردیده است. فرض اکثر چنین متونی، تعیین نقش های غلوآمیز جنسیتی برای زنان بوده و کارکرد آنان را با کلیشه های همسری و مادری تحدید نموده است. اما روند تعاریف تاریخی و تصورات سنتی از لایه بندی مردانگی و زنانگی، در دنیای معاصر از نظر زنان قانع کننده نبوده، تا آنجا که دست آوردهای طولانی آن را به چالش کشیده اند. زنان عملکرد خود را در حیات انسانی بیشتر برآورد می کنند و تفسیر مستدلی از تفاوت جنسیتی می طلبند. آنان درجات تخصصی را به آن امید طی می کنند که نقش های فراجنسیتی برای خود تعریف نمایند و درعین حال از ظرفیت های بالقوه خویش غافل نباشند. گرچه احساسات عاطفی، شیوه شگفت انگیز بیان عشق و تعهدی که نسبت به همسر و فرزندان ابراز می کنند، انگاره بهتری از آنان در کنترل رفتارهای بیرونی و مشارکت اجتماعیشان داشته و رضایتمندی بیشتری را برایشان بازتولید می کند، اما زنان با تحول معرفتی از خودشان، و تلاش برای درک و شناخت اینکه جهان چگونه اداره می شود، از مرحله محدودیت های نقش جنسیتی عبور کرده و پیش فهم ها و پیش قراردادهای متداول را - که فقط زنان باید در بند خانه ها و تحت سلطه و تمایل شوهران باشند و با تبعیت از نقش قراردادی از قوانین اطاعت کنند، - پاسخوی ر شد و تحول شناختی در توصیف نظری خودشان نمی بینند. لذا ضرورت دنیای معاصر است که به نحو عالمانه، زنان خود آنچنان که به تعریف زنانگی علم اولی دارند، بار دیگر علی رغم این پیشینه طولانی، با روش های تحلیلی - انتقادی، به تعریف بنیادی از زن پرداخته و به این سؤال اساسی پاسخ دهند که چگونه چنین دیدگاه هایی در متون دینی قابل اتکاء (برای نمونه نهج البلاغه) راه یافته و در طول تاریخی طولانی، تثبیت شده و به راه خود ادامه داده است؟ و آیا در سخنی مانند "جهاد المرأة حسن التبع" اساساً برخورد دوگانه ای با مفهوم جهاد از حضرت علی (ع) متبادر گردیده یا این معنی از سنت های مرسوم جامعه متأخر دینی - فقهی، به کتب روایی راه یافته و با اسامی ائمه شیعه گره خورده است؟

۱-۱. بیان مسأله

روایات مربوط به زنان در همه منابع روایی، بخشی از دغدغه مندی محققان است تا در پرتو بازخوانی این متون، سره را از ناسره جدا کرده و علاوه بر پیرایش های درون دینی، از ساخت کلام بزرگان دین نیز چنین گفتارهایی را پاک، و جلوه ناب سخنان هدایت گرشان را بازنمایی نموده تا جان تشنه ی معنویت انسان معاصر

را بار دیگر سیراب نمایند. مجموعه زیادی از روایات مربوط به زنان با زبان همدلانه صادر نشده و بر حقوق انسانی آنان تأکیدی ندارد. این متون خاستگاه مبارزه جویانه مردانی را تصویر می‌کند که در رقابت با حضور فعالانه‌ای، رقبا را از صحنه حذف کرده و آنان را نه با تحکم و تغییر و هم‌وردی، که با زبان دین و معنویت منفعل کرده و عقب‌گردی خودخواسته را برایشان طرح‌ریزی می‌کنند. سلسله فراوانی از این گونه تحذیرات در منابع روایی ما در دسترس است. عباراتی مانند «لیس علی النساء...» (عبدالرزاق صنعانی، بی‌تا: ۵۱۳/۱ و ۱۲۷/۳؛ الصدوق، ۱۴۰۳ق: ۵۱۱ و ۵۸۵؛ همو، ۱۴۱۰ق: ۳۶۴/۴)، «بیوتن خیر هن» (ابی‌داود السجستانی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۷/۱)، «خیر مساجد الله قعر بیوتن» (ابن خزیمه، ۱۴۱۲ق: ۹۲/۳)، «فلا تمسن طیباً» (مالک بن انس، ۱۴۰۲ق: ۱۹۸/۱) زنان را تحت کنترل قرار داده و تا آنجا پیش رفته است که روایتی چون «لو أمرت أهداً أن یسجد لأحدٍ لأمرت المرأة أن تسجد لزوجها» (طوسی، بی‌تا: ۶/۱ و ۷؛ دارمی، ۱۴۲۱ق: ۹۱۸/۲) عرضه می‌گردد.

یکی از این گونه روایات نیز، تتمه حکمت ۱۳۶ «و جهاد المرأة حسن التبعل» است که گرچه سر ستیز با زنان ندارد، اما نهایت عزم زنان در کسب فیوضات جهاد راه، در هم‌سرداری خلاصه کرده و محدوده عمل آنان را به اندرون خانه و شوهرداری فروکاسته است. در این مقاله فارغ از سوگیری‌های زنانه با ضرورت بی‌طرفی جنسیتی، در پی مطالعه این بخش از حکمت ۱۳۶ هستیم تا تبیین نماییم الحاق این گونه سخنان در بی‌نوشته‌های روایات تا چه حد معتبر بوده و خاستگاه ظهور آنچه بوده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

برخی مقالات با تعریض از روایت "جهاد المرأة حسن التبعل" به اختصار آن را در متن خود بازنمایی نموده‌اند. از جمله خانم آرزو عطایی در یک تحلیل حقوقی در نقد مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص ازدواج مجدد مردان، مقاله‌ای با عنوان «لابحه‌ای برای حمایت از مردان پولدار» در نشریه گزارش به سال ۱۳۸۷ منتشر نموده و ضمن بررسی حقوقی لایحه حمایت از خانواده در تحصیل ازدواج مجدد به رضایت همسر اول، استناد به روایت مذکور را نادیده گرفتن حقوق زنان در خانواده دانسته و آن را تأسفبار خوانده است. همچنین مقاله «گونه‌شناسی نگرش زن در پژوهش‌های علمی در پرتو کلام امام علی (ع)» از خانم اسماعیلی و همکاران در فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، در سال ۱۳۹۹، با طرح این روایت در گونه‌های روایات زنان در نهج البلاغه، از این روایت بدون بررسی و تحلیل یاد کرده است. آقای مجتبی نورزاد نیز در پژوهشی با عنوان «نگاهی نو به حکم فقهی جهاد زن» در مجله پژوهش‌های فقهی به سال ۱۳۹۹، به بررسی ادله جهاد یا انصراف نهی از جهاد زنان پرداخته و با ارجاع به این سخن از علی (ع)، آثار فقهی آن را نزد فقهای امامیه در عدم وجوب جهاد زنان مورد بحث قرار داده و عدم اعتبار روایت مذکور را گوشزد می‌کند. اما تحلیل و بازخوانی روایت «جهاد المرأة حسن التبعل» به شکل مستقیم در هیچ‌یک از مطالعات پژوهشی فوق وجود نداشته و نویسندگان به‌طور حاشیه‌ای از این روایت یاد کرده‌اند. ما در این مطالعه بر آنیم که از لحاظ حدیث‌پژوهی با تمرکز بر این عبارت، متن این فراز را تحلیل کرده و عبارات مشابه آن را در متون دیگر دینی، بررسی نموده و تناسب آن را با بافت حکمت ۱۳۶ نهج البلاغه مورد اعتبارسنجی قرار

دهیم. علاوه بر آن با تمرکز بر اسناد این روایت و بررسی حال راویان آن، اعتبار سند این روایت را نیز بازخوانی نماییم.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

امروزه برداشت سنتی از اسلام، سیما، هویت و حقوق زنان را با تکیه بر پیش‌فهم‌های منبعث از میراث کهن دینی، به نابرابری حقوق زن و مرد و بی‌هویتی او در دین تفسیر کرده و تأکید بر نقش طبیعی و سنتی زنان، آنان را با چالشی عمیق در مواجهه با حقوق بشر در جهان معاصر درانداخته است. درحالی‌که چارچوب‌های معرفتی و نگاه انسان‌مدارانه‌ی قرآن با عبور از تقسیمات جنسیتی، هویت زن را براساس نشانه‌هایی مانند اخلاق، عدالت، عرف‌گرایی، تأویل‌گرایی نصوص دینی و تغییر براساس نیازهای زمان ترسیم می‌کند. پاسخ به این دوگانه انتزاعی دینی از تفسیر زن، جز با تحقیقات گسترده درون‌دینی و بازسازی مفاهیم اصیل آن میسر نخواهد شد و این نیاز مبرم جز با رویکردی نواندیشانه و به دست محققان گشوده نخواهد گشت. بنابراین واکاوی درون دینی محتوای چالش‌برانگیز روایات و تفاسیر زن‌ستیزانه، اولین گام در هویت‌بخشی زنان در دین بوده و رهیافت آن گشایشی در راستای هماهنگی حقوق آنان با موازین حقوق بشر جدید و تفسیر به روز دین خواهد بود.

۲. بحث

۲-۱. جهاد

واژه جهاد (به کسر جیم) از ریشه جهد (به فتح و ضم جیم)، در لغت به معنی «سختی و مشقت، تلاش و توانایی بسیار و به نهایت چیزی رسیدن» است (جوهری، ۱۴۰۴ق: ذیل جهد). این کلمه «مصدر باب مفاعله به معنای بسیار تلاش کردن و نیز اسم به معنای جنگ است؛ و از این رو جنگ را جهاد می‌گویند که تلاشی همراه با رنج و سختی است» (قرشی، بی‌تا: ۷۷/۲). جهاد در اصطلاح نیز به معنای «بذل جان و مال و توان، در راه اعتلای اسلام و اقامه شعائر دین است» (نجفی، ۱۳۶۲: ۳/۲۱)، و در قرآن کریم ۱۰۸ بار واژه جهاد با معانی متعدد آن آمده است؛ که از نمونه‌های والای آن، آیه ۹۵ سوره نساء است که می‌فرماید: «وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» می‌باشد.

در روایات نیز عالی‌ترین تعبیر در تعریف جهاد وارد شده است. علی(ع) در خطبه‌ای معروف به خطبه جهاد، مطلع سخن خویش را چنین گشوده است: «أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ، وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَىٰ، وَدِرْعُ اللَّهِ الْحُصِينَةُ، وَجُنْتُهُ الْوَثِيقَةُ» (نهج‌البلاغه، خطبه/۲۷). «جهاد دری از درهای بهشت است که خداوند آن را به روی دوستان خاص خود گشوده، و آن جامه پرهیزگاری، زرهی استوار، و سپر مطمئن خداست». هدف امیرالمؤمنین(ع) در این خطبه، انتقاد از مردم در رویگردانی از جهاد بوده است؛ اما منظر اصلی آن پابندی تمامی مردمان به انحاء تلاش در مقابله با دشمنان است؛ و در تمامی

این خطبه رویکرد وی به این‌گونه باقی مانده است و مخاطبان این سخنان شورانگیز، اکثریت مردم و نه بخشی از ایشان بوده‌اند. نگاه فراگیر علی(ع) به جنگ، فارغ از حضور جنسیتی افراد در صحنه‌های نبرد و به‌تسا سب عملکرد متفاوت افراد از رزم تا رجزخوانی و تدارکات و پرستاری از مجروحان و ... بیانگر دیدگاه کلی وی در تعریف جهاد است. چنان‌که پیش‌تر از بیان این خطبه، در جنگ‌های جمل و صفین نیز زنان و مردان در صحنه‌های جنگ حضور یافته و به فراخور توانایی برای استقرار امنیت تلاش نموده بودند (نک. معینی کربکندی، ۱۳۸۴؛ مدنی، ۱۳۹۲؛ ریعان، ۱۳۸۵). اما در مضمون کوتاه دیگری تعریفی نامتعارف از جهاد بیان گردیده که با تفکیک جنسیتی به مفهوم کلی جهاد، زنان را از برخوردارگی از نقش فعال در صحنه‌های جنگ، به عزلت‌خانه‌ها دعوت نموده و پذیرایی و رتق‌و‌فتق مردان را برای مفهوم جهاد زنانه بازتعریف می‌کند. هرچند برخی افراد، تعاریف به‌روز شده‌ای نیز برای این روایت پیشنهاد نموده‌اند، اما بررسی‌های تخصصی حدیث‌پژوهی در این متن، ضرورت پژوهش حاضر است.

۲-۲. اعتبارسنجی روایت «جهاد المرأة حسن التبعل»

۲-۲-۱. بررسی روایت جهاد المرأة در کتب روایی

نقد حدیث و بازشناسی روایات به‌منظور دستیابی به احادیث صحیح از احادیث ضعیف، با عنوان اعتبارسنجی آن‌ها، مبتنی بر معیارها و لوازمی است که مشکلات پیرامون روایات را شناسایی نموده و از ورود احادیث بر ساخته به گنجینه‌های معنوی دینی جلوگیری نماید. این مهم در بررسی‌های درون‌متنی و برون‌متنی روایات نهفته است و برای هر یک، معیارهایی تعیین شده که محکی در مسیر چنین پژوهش‌هایی است. از جمله این معیارها در فهم درون‌متنی روایات، هماهنگی و همنوایی با قرآن کریم، سنت پیامبر (ص) و ائمه طاهرین، عقل سلیم، مسلمات دینی، حس و تجربه، دستاوردهای قطعی بشر در زمینه‌های مختلف علوم تجربی، تاریخ و... است و در فهم برون‌متنی آن بررسی سند، منبع و مأخذ حدیث و ناقلان آن، ملاک قطعی‌اند (نک. محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷: ۵۶-۹۵).

متن روایت "جهاد زنان نیک همسررداری آنان است"، پیش از نهج البلاغه، در فروع کافی (کلینی، ۱۳۶۳: ۹/۵ و ۵۰۷)، خصال (۱۴۰۳ق: ۶۱۰ و ۶۲۰) و من لایحضره الفقیه شیخ صدوق (۱۴۱۰ق: ۳/ ۴۳۹) آمده است. اما این مفهوم در کتب متقدم‌اهل سنت پیشینه‌ای ندارد، و عنوان "جهاد المرأة" در آن کتب، به عملکرد زنان در صحنه‌های جنگ اشاره داشته و از شرکت زنان در جنگ‌ها و وظایف متفاوت آنان گزارش می‌دهد.

عبدالرزاق صنعانی (م: ۲۱۱ق) گزارش‌هایی از شرکت جدی زنان در جنگ‌ها نقل کرده و از قول ابراهیم نخعی در روایتی طولانی آورده است: «... زنان با پیامبر(ص) در جنگ‌ها حاضر می‌شدند و به مداوای

۱. عده‌ای خیال می‌کنند جهاد زن این است که فقط وسایل راحتی مرد را فراهم کند. حسن تبعل فقط این نیست؛ این جهاد نیست؛ جهاد این است که زنان مبارز، مؤمن و فداکار وقتی شوهرهایشان مسئولیت‌های سنگینی دارند، بار آن سنگینی به میزان زیادی روی دوش آن‌ها می‌افتد. شماها مأموریت دارید. خدمات شما همین طور است. وقتی مرد خسته می‌شود، اثر خستگی او در خانه ظاهر می‌شود. وقتی به خانه می‌آید، خسته، کوفته و گاهی بداخلاق است و این بداخلاقی و خستگی و بی‌حوصلگی ناشی از محیط کار، به داخل خانه منعکس می‌شود. حالا این خانم اگر بخواهد جهاد بکند، جهاد او این است که با این زحمات بسازد و آن‌ها را برای خدا تحمل کند؛ این می‌شود حسن التبعل (بانکی‌پور فرد، ۱۳۹۳: ۵۸).

مجروحان می پرداختند و به سربازان آب می رساندند و نشنیدم که کشته‌ای داده باشند؛ ولی در جنگ یرموک در خلافت عمر، وقتی که سپاه دشمن بیش از حد فشار آورد و دو لشکر در هم فرورفتند، زنان شمشیر گرفته و به جنگ وارد شدند» (عبدالرزاق، بی تا، ۲۹۸/۵).

جعفر مرتضی از عالمان شیعی نیز ذیل عنوان "جهاد المرأة" علاوه بر قول بالا از ابراهیم اقوال دیگری نیز آورده است؛ او می گوید: «ابن عباس در پاسخ نجدة الخوری نوشت: به من نامه نوشتی و از من راجع به غزوه زنان با رسول خدا سؤال کردی. بله آنها همراه رسول خدا به غزوات می رفتند و مجروحان را مداوا می کردند» (العالمی، ۱۴۱۲ق: ۱۸). مسعودی راجع به یوم عماس^۱ می گوید: «در این روز مسلمانان کشتگان خود را می آوردند و به جسد آنها پناه می بردند و آنان را پشت سر خود قرار می دادند؛ درحالی که زنان و کودکان شهید دفن می کردند و لباس های کهنه می آوردند و با آن زخمها را می بستند» (مسعودی، ۱۳۸۵ق: ۳۱۷/۲).

اما علی رغم آن، مفهوم جهاد المرأة در قرون بعدی در کتب روایی شیعه به معنای خانه نشینی و تلاش کردن در امر شوهرداری - در حد و اندازه جهاد - عنوان شده است و در این مفهوم، روایاتی وارد شده است که به ترتیب متذکر می شویم:

- کلینی:

«... عن الاصغ بن نباتة قال: «قال امیرالمؤمنین (ع) كتب الله الجهاد علی الرجال و النساء. فجهاد الرجل بذل ماله و نفسه حتی یقتل فی سبیل الله و جهاد المرأة أن تصبر علی ما ترى من أذى زوجها و غیرها. و فی حدیث آخر جهاد المرأة حسن التبعل» (الکلینی، ۱۳۶۳: ۹/۵).

«... عن أبی ابراهیم (ع) قال: «جهاد المرأة حسن التبعل» (همان، ۵۰۷/۵).

- شیخ صدوق:

- در کتاب الخصال طی روایتی طولانی تحت عنوان "حدیث اربعمائه"، روایتی از علم علی بن ابی طالب (ع) آورده که در یک مجلس واحد ۴۰۰ باب از صلاح مسلمانان در دین و دنیا را ذکر کرده است (الصدوق، ۱۴۰۳ق: ۶۱۰-۶۳۸). او می گوید: «... عن أبی بصیر و محمد بن مسلم عن أبی عبدالله قال: «حدیثی أبی عن جدی عن آبائه (ع) إن امیرالمؤمنین (ع) علم اصحابه فی مجلس واحد اربع مائة باب مما یصلح للمسلم فی دینه و دنیا». آنگاه به برشمردن موارد چهارصدگانه پرداخته و در میانه بحث می نویسد: «... الحج جهاد کل ضعیف، جهاد المرأة حسن التبعل» (همان، ۶۲۰).

- در کتاب الفقیه نیز همان روایت کلینی را از طریق اصغ بن نباته با سند دیگری آورده و می گوید: «... عن جابر بن علی أبی جعفر (ع) قال: «إن الله عزّ و جلّ كتب علی الرجال جهاد و علی النساء الجهاد...» (الصدوق، ۱۴۱۰ق: ۴۳۹/۳)؛ و در ادامه آورده است و فی حدیث آخر قال: «جهاد المرأة حسن التبعل» (همان).

۱. روز سوم از ایام قادیسیه که جنگ سنگینی بوده است را یوم عماس نامیده اند (یاقوت حموی، معجم البلدان، ۱۴۹/۴).

- نیز حدیثی از صفوان بن عیسی از محمد بن ابی حمید از موسی بن بکر از زرارة از امام صادق (ع) آورده و می‌گوید: «... الحج جهاد کل ضعیف... جهاد المرأة حسن التبعل» (همان، ۴/۴۱۶). او در اقسام جهاد نیز این روایت را ذکر کرده است (همو، ۱۴۱۸ق: ۶۰).

در حالی که صدر روایت شیخ صدوق، در کتب اهل سنت مسبوق بوده است. آنان روایتی از محمد بن علی از أم سلمه از پیامبر (ص) آورده‌اند که فرمود: «الحج جهاد کل ضعیف».

أبو داود طیالسی (م: ۲۰۴)، علی بن الجعد (م: ۲۳۰)، ابن ابی شیبۀ (م: ۲۳۵)، اسحاق بن راهویه (م: ۲۳۸)، أحمد بن حنبل (م: ۲۴۰)، ابن ماجه (م: ۲۷۲)، أبو یعلی (م: ۳۰۷)، بغوی (م: ۳۱۷) و طبرانی (م: ۳۶۰)، در طی ۱۵۰ سال به ترتیب روایت «الحج جهاد کل ضعیف» را نقل کرده‌اند (نک. طیالسی، بی تا: ۲۲۳؛ ابن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹ق: ۱۹۱/۴؛ ابن راهویه، ۱۴۱۲ق: ۱۷۶/۴؛ ابن حنبل، بی تا: ۲۹۴/۶ و ۳۰۳ و ۳۱۴؛ ابن ماجه، بی تا: ۹۶۸/۲؛ أبی یعلی، ۱۴۱۲ق: ۳۴۸/۱۲ و ۴۸۵؛ البغوی، ۱۴۰۷ق: ۵۷؛ الطبرانی، بی تا: ۲۹۳/۲۴). گرچه سند روایات آنان به دلیل عدم درک امام باقر از أم سلمه، از طرف ناقدان اسناد تضعیف شده است (الفتنی، بی تا: ۷۱؛ القاری، ۱۴۰۶ق: ۱۹۲؛ ابوطالب القاضی، ۱۴۰۹ق: ۱۲۹)، اما به متن این روایت خدشه‌ای وارد نکرده‌اند. اما روایت متفاوتی از ابوهیره در کتب اهل سنت نقل گردیده است که عایشه می‌گوید از پیامبر در مورد جهاد زنان پرسیدم، وی (ص) فرمود: «جهاد زنان حج است». این روایت با الفاظ مختلفی در کتب اهل سنت نقل گردیده است.

- برای مثال سعید بن منصور (م: ۲۲۷) ذیل "باب ما جاء فی فضل الجهاد و أنّ الحج جهاد کل ضعیف"، آورده است: «پیامبر (ص) فرمود: «جهاد النساء الحج» (ابن شعبه، بی تا: ۱۳۲/۲).

- سعید بن منصور (همان)، و بخاری (۱۴۰۱ق: ۲۲۰/۳) می‌گویند: قال النبی (ص): «جهادکن الحج».

- ابن ماجه می‌گوید: «پیامبر (ص) فرمود: «نعم علیهن الجهاد لا قتال فیه: الحج و العمرة» (ابن ماجه، بی تا: ۹۶۸/۲).

- ابی یعلی (۱۴۱۲ق: ۱۰/۸) و ابن عدی جرجانی (۱۴۰۹ق: ۷۰/۴) نیز نقل مشهور «جهاد النساء الحج» را آورده‌اند.^۱

اما به مرور روایت دچار تغییراتی گردیده و عبارت "جهاد المرأة حسن التبعل" به آن الحاق شده است. - برای مثال بیهقی (م: ۴۵۸) و ابن عبدالبر (م: ۴۶۳) هر دو متن مشابهی دارند که صدر آن جهاد ضعیفان حج و ذیل آن جهاد زنان حسن تبعل است و این اولین متن از اهل سنت - در قرن پنجم - است که این عبارت را نقل کرده است: «... عثمان بن خالد بن الزبیر عن أبیه عن علی بن الحسین عن أبیه عن علی بن أبی طالب قال: «قال رسول الله (ص) ... جهاد الضعفاء الحج و جهاد المرأة حسن التبعل لزوجهها» (البيهقي، ۱۴۱۰ق: ۷۴/۲؛ ابن عبدالبر، ۱۳۸۷ق: ۲۰/۲۱).

۱. عجلونی روایت ابوهیره را که ابن ماجه و دیگران با سند ضعیف، مرفوعاً از علی (ع) آورده‌اند، نقل کرده و آن را ضعیف دانسته است (العجلونی، ۱۴۰۸ق: ۳۵/۱).

- روایتی از ابن سلامه قضاعی (م: ۴۵۴) معا صر ابن عبدالبر و بیهقی نیز متأثر از چنین متنی با یک سند عامی مذهب وارد شده است. او می‌گوید: «آخرنا ... عیسی بن ابراهیم عن مقاتل عن ضحاک عن ابن عباس قال: «قال رسول الله (ص) الجمعة حج الفقراء، الحج جهاد كل ضعيف و جهاد المرأة حسن التبعل» (ابن سلامه القضاعی، ۱۴۰۵ق: ۸۲/۱). اما به نظر می‌رسد قسمت «جهاد المرأة حسن التبعل» به متن حدیث اضافه شده است زیرا از ام سلمه قسمت اول این روایت آمده است و در متن همین کتاب نقل شده است (همان).
- ابن عبدالبر از روایت قبل خود با همان سند، متن دیگری آورده که هر دو عبارت را تجمیع کرده و می‌گوید: «... حدثني عثمان بن عثمان بن خالد بن الزبير عن علي بن الحسين عن أبيه عن علي بن أبي طالب قال، قال رسول الله (ص): جهاد الضعيف حسن التبعل لزوجها» (ابن عبدالبر، ۱۳۸۷ق: ۱۹۹/۲۱). در تفسیر او زنان همان ضعیفانند و جهادشان حسن تبعل است.
- ابن عبدالبر بار دیگر روایتی داستانی می‌آورد که تغییرات عمیق تری را ارائه می‌دهد و می‌گوید: «و... حدثنا أحمد بن داود الحراني حدثنا أبو مصعب حدثنا مالك عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده قال: «اجتمع علي بن أبي طالب و أبوبكر و عمر و أبو عبيدة بن الجراح فتماروا في اشياء. فقال لهم علي بن أبي طالب إنطلقوا بنا إلى رسول الله (ص) فسأله. فلما وقفوا على النبي (ص) قال «يا رسول الله جئنا نسألك. قال ان شئتم سألتموني أخبرتكم فأجبتهم له قالوا أخبرنا يا رسول الله قال جئتم أن تسألوني... عن جهاد الضعيف و جهاد الضعيف الحج و العمرة و جئتم تسألوني عن جهاد المرأة و جهاد المرأة حسن التبعل لزوجها لله» (همان، ۲۰/۲۱).
- روایت داستانی ابن عبدالبر را «و جئتم تسألوني عن جهاد المرأة و جهاد المرأة حسن التبعل لزوجها لله...» بعدها قوام السنه اسماعیل اصفهانی (م: ۴۵۷) در دلائل النبوه (بی تا: ۶۵۲/۲) آورده و متقی هندی (م: ۹۷۵ق) در کنز العمال (۱۴۰۹ق: ۲۴۱/۱۶) همان را بازنویسی کرده است.
- با این وجود ابن حبان (م: ۳۵۴) که متعلق به قرن چهارم است، پیش از بیهقی و ابن عبدالبر، روایت را جعلی دانسته (ابن حبان، بی تا: ۱۴۷/۱) و بعداً ابن جوزی (م: ۵۹۲) نیز به دلیل وجود ابوداود که واضع حدیث بوده و دارقطنی او را متروک کذاب خوانده است، روایت را موضوع می‌داند (ابن جوزی، ۱۹۶۶: ۱۵۳/۲). رجالیون متأخر، مانند ابن عراق کنانی (م: ۹۶۳) و الفتنی (م: ۹۸۶) نیز آن را از احادیث شنیع و برساخته دانسته‌اند (الکنانی، بی تا، ۱۳۰؛ الفتنی، پیشین، ۱۲۹). گرچه باز هم عالمان قرن چهارمی شیعه، مثل قطب الدین راوندی (م: ۳۸۵) به آن عنایت داشته و روایت را از شیخ صدوق از طریق سعید بن مسیب از ابوهریره نقل نموده‌است (نقل از ابن کثیر، ۱۹۶۸م: ۳۹۲).
- بنابراین می‌توان دریافت که توسعه متنی در کتب اهل سنت که منجر به ورود این عبارت در متن‌های جهاد شده در قرون چهارم و پنجم به منابع اهل سنت نیز راه یافته و ملحق شده است؛ و لذا بعید نیست عبارت "جهاد المرأة حسن التبعل" از متون شیعه به متن‌های اهل سنت سرایت کرده باشد؛ و چنین وفاقی جز در مذمت زنان، در هیچ اندیشه دیگری بین شیعه و اهل سنت مشاهده نمی‌گردد.

اکنون این روایت در تتمه حکمت ۱۳۶ آمده است «الصلاة قربان كل متقى، و الحج جهاد كل ضعيف و لكل شيء زكاة و زكاة البدن الصوم و جهاد المرأة حسن التبعيل» (نهج البلاغه، ۳۳۲/۱۸).

ولی آیا در حقیقت روایت "جهاد المرأة حسن التبعيل" در منابع روایی شیعه، روایتی اصیل است؟

۲-۲-۲. بررسی اسناد روایات کلینی

– سند روایت اول کلینی:

«علی بن ابراهیم عن ابيه عن أبي الجوزاء، عن الحسين بن علوان عن سعد بن طريف، عن الاصمغ بن نباتة قال:»
در سند روایت اول کلینی دو راوی با نام "سعد بن طریف" و "حسین بن علوان" قرار دارند.

"سعد بن طریف" که در کتب حدیثی با نام‌های اسکاف، خفاف و طریف ذکر شده، و هر سه یک نفر می‌باشند (ابن زین الدین، ۱۴۱۱ق: ۲۶۵)، اهل کوفه بوده و از امام سجاد، امام باقر، امام صادق و اصمغ بن نباته روایت می‌کند، روایات او گاهی مقبول و گاهی منکر است (النجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۷۸).

شیخ طوسی در فهرست خود دو طریق از او را ضعیف می‌داند (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۳۰۹)، علامه حلی در خلاصة الاقوال (حلی، ۱۴۱۷ق: ۱۰۱) و ابن داود حلی در رجال خود او را ناووسی^۱ دانسته‌اند (ابن داود الحلّی، ۱۳۹۲م: ۲۴۷). عبدالحسین شبستری از دیدگاه شیعه و سنی، وی را ضعیف الحدیث می‌داند (شبستری، ۱۴۱۸ق: ۲۰/۲).

"سعد بن طریف" نزد اهل سنت نیز به ضعف و وضع حدیث مشهور است (ابن حبان، ۳۵۷/۱؛ الجرجانی، ۱۴۰۹ق: ۳۴۹/۳). ابن جوزی روایات موضوع او را در دعای پیامبر به فقر معلّمین،^۲ (ابن الجوزی، ۱۹۶۶م: ۲۲۲/۱)، فضل سراویل^۳ (همان، ۴۶/۳)، ثواب مریض^۴ (همان، ۲۰۲) و شجرالجنة^۵ (همان، ۲۵۵) و ... آورده است. مزی، نام و اقوال کلیه جارحان وی را از أحمد بن حنبل، یحیی بن معین، دارقطنی، بخاری، ابوداود، نسائی و دیگران بر شمرده است؛ گرچه برخی از ایشان علت اصلی ضعف وی را اتهام به تشیع و غلو وی دانسته‌اند اما دلایل دیگری نیز در جرح وی ذکر می‌کنند (المزی، ۱۴۰۶ق: ۲۷۱/۱۰-۲۷۵).

"حسین بن علوان" نفر بعد این سند از راویان عامی مذهب است. رجالیون اهل سنت وی را نیز فردی ضعیف می‌دانند (ابن حنبل، ۱۴۰۸ق: ۴۴/۲؛ عقیلی، ۱۴۱۸ق: ۲۵۱/۱ و ۴۱۳/۴). او نیز اهل کوفه بوده و

۱. فرقه‌ای که معتقد بودند امام صادق نمرده و نمی‌میرد و او همان مهدی موعود است (شبستری، ۱۴۱۸ق: ۲۰/۲).

۲. قال رسول الله شرارکم معلومکم أقلهم رحمہ علی الیتیم و اغلظهم علی المسکین.

۳. عن علی أنه قال: كنت قاعداً عند النبي (ص) لبيع في يوم دخن و مطر. فمرت امرأة على الحمار و معها مكارى فهوت يد الحمار في وهده من الارض فسقطت المرأة فأعرض النبي (ص) عنها بوجهه. فقالوا يا رسول الله مسترولة! فقال اللهم اغفر للمتسولات من امتي. يا ايها الناس اتخذوا السراويلات فمن أستر ثيابكم و حصنوا بما نساءكم اذا خرجن.

۴. حسن بن علی -فی مرضه- قال سمعت جدی (ص) قال لی يوماً یا بنی أن فی الجنة شجرة یقال لها شجرة البلوی یؤتی بما أهل البلاء یوم القیامة فلا ینصب لهم میزان و لا ینشر لهم دیوان یصب لهم الاجر صبا.

۵. إن فی الجنة شجرة تخرج من أعلاها الحلل و من أسفلها خیل بلق من ذهب مسرجه ملجمه بالدر و الباقوت لا تروث و لا تبول ذوات اجنحه فیجلس علیها اولیاء الله فتطیر بهم حیث شاءوا.....

می‌گویند به نام هشام بن عروة و دیگر ثقات، روایت جعل می‌کرده‌است (ابن حبان، بی‌تا: ۲۴۴/۱). یحیی بن معین و نسائی (الجرجانی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۹/۲) و دارقطنی وی را کذاب و متروک‌الحديث می‌دانند (الدارقطنی، ۱۴۱۷ق: ۳۸۰/۱). برخی از رجال‌یون سنّی وی را کذاب خبیث نامیده و او را رجل سوئی دانسته‌اند که روایاتش را نمی‌نوشتند (الخطیب البغدادی، ۱۴۱۷ق: ۶۳/۸).

"حسین بن علوان" از نظر رجال‌یون شیعه نیز عامی مذهب است. گرچه «کشی» تنها کسی است که او را با قول ضعیفی شیعه مستور دانسته است (نقل از اردبیلی، بی‌تا: ۶۲۰/۱ و ۵۳۸/۲). اما نجاشی او را توثیق نمی‌کند و همانند اهل سنّت روایات وی را از اعمش و هشام بن عروة می‌داند (النجاشی، ۱۴۱۶ق: ۵۲). شیخ طوسی (۱۴۱۵ق: ۸۴ و ۱۴۱۷ق: ۱۰۸ و ۳۰۲)، و ابن داود حلّی (ابن داود الحلّی، ۱۳۹۲ق: ۲۴۰) نیز در مورد او جز معرفی وی و ذکر کتابی برای او سخنی ندارند. اختلاف در مورد مذهب (امامی مستور، عامی و زیدی بودن) و وثاقت و ضعف او بسیار است (مامقانی، بی‌تا، ۴۷۸/۳). شهید ثانی او را عامی غیر موثق نامیده (الشهید الثانی، ۱۴۱۲ق: ۲۷۳/۳)، و شارح استیصار احمد بن زین‌العابدین العاملی، روایات او را از عمرو بن خالد و زید بن علی می‌داند (بی‌تا، ۹۰/۱)؛ گرچه برخی از رجال‌یون معاصر، قول کشی را در شیعه بودن وی ترجیح داده‌اند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۸ق: ۱۵۲/۳-۱۵۵). روایات او در کتب شیعه بالغ بر ۹۲ مورد است و در میان شیوخ او از امام صادق تا عبدالله بن الحسن بن حسن بن علی، زید بن علی، عمرو بن خالد زیدی مذهب دیده می‌شوند (الخوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۴/۷-۳۷ و ۳۶۸/۸ و ۳۶۹).

به هر حال "حسین بن علوان" منتسب به اندیشه‌های سنّی مذهب عصر خویش تا انتهای قرن دوم بوده است^۱ و در میان اندیشه‌های ضد زنان در این عصر بالیده است و لذا سوق دادن هسته اصلی روایات به سمت اندیشه‌های منطبق با سپهر اجتماعی این روزگار علیه زنان، در مورد وی محتمل است. به نظر می‌رسد راوی روایت حسن التبعّل اوست. وی در این روایت از طریق فرد ضعیفی چون "سعد بن طریف" برای برساختن این روایت بهره برده و خود این طریق را رشد وارونه^۲ داده است. لذا به نظر می‌رسد پیدایش این فراز از روایت با رشد متنی و سندی آن در میان شیعه، در انتهای قرن دوم در کوفه بوده و واضح آن "حسین بن علوان" می‌باشد.

– سند روایت دوم کلینی

– «عدة من اصحاب عن سهل بن زیاد عن علی بن حسان عن موسی بن بکر عن ابي ابراهيم (ع) قال: ...»

سند روایت دوم کلینی نیز دارای ضعف است. در طریق او به امام هفتم، دو تن از راویان به نام‌های "سهل بن زیاد" و "موسی بن بکر" راویان ضعیف این سند هستند.

"سهل بن زیاد آدمی" فردی ضعیف‌الحديث و غیرمعمد بوده و أحمد بن محمد بن عیسی اشعری او را به خاطر کذب و غلو، از قم به ری اخراج نموده است (النجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۸۵). کشی بدون جرح و

۱. شیخ علی شاهرودی در مستدرکات علم رجال‌الحديث (۱۵۵/۳) می‌گوید تا سال ۲۰۰ حیات وی گزارش شده است.

۲. مستشرقان در حدیث پژوهی نوین می‌گویند اگر اسناد حدیثی به طبقه متأخر، مثل طبقه تابعین ختم شود و بار دیگر همان حدیث با اسنادی که به مرجع بالاتر مثل صحابه می‌رسد، اظهار شود، اسناد دومی جعلی است، در نتیجه رشد قهقراپی اسناد با رشد وارونه سندها به‌وجود آمده است (گلنزیهر و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۰). این را در کتب حدیثی اهل سنّت به‌عنوان رفع منقطع ذکر کرده‌اند.

تعدیل، او را از راویان امام باقر، امام کاظم و امام جواد می‌داند و می‌گوید اما خود وی از اصحاب امام حسن عسکری بوده است (الطوسی، ۱۴۰۴ق: ۸۳۷/۲). گرچه شیخ طوسی در یک جا او را توثیق کرده (همو، ۱۴۱۵ق: ۳۸۷) و از شیوخ برقی معرفی می‌کند (همان، ۴۲۷)؛ ولی در جای دیگری وی را تضعیف کرده است (همو، ۱۴۱۷ق: ۱۴۲). ابن غضائری نیز او را تضعیف کرده (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۵۹) و وی را فاسد الروایة و الدین خوانده (همان، ۶۶)، و به غلو و کذب متهم می‌کند (همان، ۱۲۵). ابن شهر آشوب، ابن داود حلّی، صاحب معالم، و بسیاری دیگر او را تضعیف کرده‌اند (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ۹۲؛ ابن داود الحلّی، ۱۳۹۲ق: ۲۴۹ و ابن زین الدین، ۱۴۱۱: ۱۹ و ۲۳۹)؛ و رجالیون متأخر نیز بر ضعف او هم‌داستانند (التفرشی، ۱۴۱۸ق: ۸۱/۲؛ الکر باسی، ۱۳۸۲ ش: ۲۹۴؛ وحید بهبهانی، بی‌تا: ۱۹۷؛ بحر العلوم، ۱۳۶۳ش: ۲۱/۳؛ الکجوری الشیرازی، ۱۴۲۳ق: ۱۴۲؛ البروجردی، ۱۴۱۰ق: ۲۳۸/۱). مرحوم خوئی روایات او را بیش از ۱۳۰۰ مورد احصاء کرده است (الخوئی، ۱۴۱۳ق: ۳۵۴/۹-۳۷۱) و سال مرگ وی را به سال ۲۵۸ هجری گزارش نموده است (همان، ۲۳۸).

"موسی بن بکر الواسطی" نیز که از راویان امام صادق و امام رضا بوده است (النجا شی، ۱۴۱۶ق: ۴۰۷)، در نظر نجاشی و کشی مهمل و بدون توثیق و تعدیل است (همان، ۴۰۷؛ الطوسی، ۱۴۰۴ق: ۷۳۷/۲)؛ اما شیخ طوسی او را واقفی می‌داند (۱۴۱۵ق: ۳۴۳) و به پیروی از او ابن شهر آشوب (بی‌تا، ۱۵۵)، علامه حلّی (۱۴۱۷ق: ۴۰۶) و تفرشی (۱۴۱۸ق: ۴۲۸/۴) وی را واقفی دانسته‌اند. او در سلسله سند ۲۷۳ روایت قرار دارد (الخوئی، ۱۴۱۳ق: ۲۵۹/۲۰).

به نظر می‌رسد این روایت، بعد از روایت "حسین بن علوان" بازخوانی شده است و بخش کلیدی آن که عبارت «جهاد المرأة حسن التبعل» است، مورد استقبال ایشان قرار گرفته و به امام هفتم شیعیان اسناد داده شده است؛ و این کار از سهل بن زیاد محتمل‌تر است.

۲-۲-۳. بررسی و تحلیل متن حکمت ۱۳۶ نهج البلاغه

«الصلاة قربان كل متقى، و الحج جهاد كل ضعيف، و لكل شيء زكاة و زكاة البدن الصوم، و جهاد المرأة حسن التبعل» (نهج البلاغه، ۳۳۲/۱۸). نماز، موجب نزدیکی هر پارسایی به خداست، و حج جهاد هر ناتوان است. هر چیزی زکاتی دارد، و زکات تن، روزه، و جهاد زن، نیکو شوهرداری است.

حکمت ۱۳۶ نهج البلاغه در مورد سه امر شرعی و واجب دینی یعنی نماز، حج و روزه گفتگو می‌کند؛ و هر سه واجب الهی را در معانی باطنی آن جاری کرده است. نماز اولین و عالی‌ترین عمل مؤمن در درگاه ربوبی بوده که موجب تعالی و قربت الهی شده و انسان‌های باتقوا بدان دست می‌یابند. حج نمونه دیگری از عمل مؤمنانه است که همچون جهاد، غایت فضیلت را در عبادت حق داشته و اگر توانایی بر ادراک جهاد برای مؤمن حاصل نشود، چنین مناسکی، بهره‌مندی از آن فضیلت را برای ضعیفان، حاصل خواهد کرد؛ و سومین امر قطعی دینی روزه است که با عنوان زکات بدن نامبرده شده است. گرچه زکات مالی نیز جان مؤمن را پاک می‌کند اما جسم و جان مؤمن با امر شرعی روزه پاکسازی شده و مراتب اجرای اعمال واجب الهی را طی خواهد کرد. لذا در این سه امر قطعی دین، جز تقرب و تعبد در امور شرعی و

واجب، و تفسیر آن اعمال بر مبنای حکمت مندرج در حکم شارع، مشاهده نمی‌گردد. حال چگونه این بیان عالی امیرالمؤمنین در سه امر قطعی دین، به یکباره به حکم زنان چرخش کرده و از محل بحث خارج می‌گردد. ضرورت مساله زنان در آن سه حکم کجاست و چه امر شرعی را در خصوص زنان وارد می‌کند. اساساً تفسیر باطنی نماز و حج و روزه، به عملکرد زنان در فرع فروعاتشان در احکام فردی و روابط داخلی زوجین چگونه مرتبط می‌شود؛ در حالی که در «زیبایی لفظ و معنی، قدرت ترکیب و تنوع، به کارگیری عواطف و احساسات، کاربرد اسلوب قرآنی و همچنین استشهاد به آیات قرآن کریم از ویژگی‌های بی نظیر خطبه‌های امام(ع) می‌باشد. اما آنچه بیش از همه این موارد به کلام ایشان زیبایی خاصی بخشیده این است که امام(ع) با توجه به موقعیت‌های مختلف، زیباترین و تاثیربرانگیزترین سخنان را بر زبان جاری ساخته و این امر با توجه به فی‌البداهه بودن اکثریت سخنان ایشان، خود دلیل دیگری است که بلاغت بی نظیر کلام ایشان را به اثبات می‌رساند» (چراغی‌وش و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴).

تعیین بافت و موقعیت این کلام مقتضای بحث تقرب به خداوند از طریق راه‌های واجب دینی و عملکرد شرعی مؤمنانه زنان و مردان است؛ و سه امر والای نماز در بعد عبادت فردی، حج در بعد عبادت جمعی و روزه که به عنوان تجلی زکات جسم تبیین شده کجا و خوب شوهرداری کردن زنان کجا؟! قطعاً عبارت اخیر این حکمت «و جهاد المرأة حسن التبعّل» زائد بر متن است و عدم همخوانی آن با گفتمان بحث، قطعی است. لذا این عبارت - به جهت وجود تشابهات لفظی با بحث جهاد که در متن آمده - زائد بوده و از دیدگاه حدیث‌پژوهی ادراج^۱ متنی است و از خارج، بر کلام تحمیل شده است. این گونه اضافات، گاه از خطای مؤلف به جهت تشابهات لفظی کلام علی(ع) و سایر روایات بوده و گاه نیز متن یکدست آن در افواه عمومی شهرت داشته و شریف رضی به پیشینه ذهنی آن در افکار جمعی بسنده کرده است. چنان که در اسناد نهج‌البلاغه نیز صرفاً به این بخش از حکمت اشاره شده و کل حکمت ۱۳۶ از چنین سابقه‌ی یکدستی برخوردار نبوده است (حسینی، ۱۴۰۹: ۱۲۱/۴).

گرچه برخی شروع نهج‌البلاغه، این عبارت را مورد تفسیر قرار داده‌اند، اما هیچ یک از شارحان از نگاه سنتی در این فراز، فراتر نرفته و جز معنای تبعّل (ابن میثم بحرانی، ۱۳۶۱: ۶۱۲؛ بیهقی نیشابوری، بی‌تا: ۶۴۴؛ محمدی ری شهری، بی‌تا: ۴۴۰/۳)، و یا استناد به روایات دیگری که زنان را ملزم به تبعیت از مردان می‌نماید (برای نمونه نک: حلبی، بی‌تا: ۱۳۴/۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۵۹م: ۳۳۲/۱۸؛ شوشتری، ۱۳۶۷: ۱۴۱/۱۳؛ عاملی، بی‌تا: ۱۳۶؛ انصاریان، بی‌تا: ۲۸۶/۶)، در تفسیر این متن تلاشی ننموده‌اند.

بنابراین باید گفت وجود روایت "حسن التبعّل"، تفسیر نگاه سنتی فقیهان قرن دومی و سومی به زنان است که بیان‌گر سخنی عوامانه و فراگیر، پیرامون تحلیل زنان در عدم حضور اجتماعی آنان بوده است و آنان در هر متن معتبر که کمترین مشابهتی با الفاظ هم داشته باشد، دیدگاه‌های جنسیت‌گرایانه خود را وارد کرده و از اصالت آن متن، جهت القاء اندیشه یا فتوای مورد نظر خود، بهره می‌جستند. این عبارات یکی از معیارهای شناخت دیدگاه مردان دین نسبت به زنان، در طول تاریخ اسلام است و با تحلیل متون

۱. ورود متنی غیر مرتبط در اثنای متن اصلی را ادراج می‌گویند (مدیرشانه‌چی، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

این روایات، می‌توان دریافت که دستی عامدانه، زنان را از توانایی ذاتی شان خلع نموده و با نام پیه‌شوایان بزرگ دینی، آنان را به عقب رانده است. روایات فزاینده نهی زنان از حضور در مسائل اجتماعی و پرهیز دائم از ظهور آنان در جامعه، به تدریج آنان را به در خانه ماندن و حتی در قعر خانه بودن توصیه نموده است (ابن خزیمه، ۱۴۱۲ق: ۹۲/۳) و کارکرد زنان را فقط در فعالیت‌های مربوط به تولید مثل^۱، نگهداری از منافع مردان^۲، اطاعت از همسر^۳ و شوهرداری^۴ تعریف کرده و زنان را در حبس خانه‌ها پسندیده نموده است^۵. این روایات در طول تاریخ مسلمانان مانند شعاع، سرلوحه افکار بسیاری از مردان دین گردیده است که می‌اندیشیدند: "زنان مکارند"^۶، "زیاد به آنان راه ندهیم"^۷ و "با آنان مشورت نکنیم"^۸. "اطاعت از ایشان موجب هلاکت است"^۹. "برخلاف آنچه گفتند عمل کنیم تا به زندگیمان برکت بخشد"^{۱۰}. زیرا "اگر کار به دست آنان افتد روی رستگاری نخواهیم دید"^{۱۱} و "مردن برایمان بهتر از زندگی کردن است"^{۱۲}.

به تدریج زنان نیز باید می‌پذیرفتند که محدودیت‌های اجتماعی آنان، ناشی از "نقصان عقل"^{۱۳}، "عدم اهلیت در مداخله در کارها"^{۱۴}، "بی‌کفایتی و کمبودهای شخصیتی"^{۱۵} ایشان است و نه از یک سیستم اجتماعی که در آن تبعیضات، صورت رسمی و قابل قبول به خود گرفته است.

گرچه زنان در طول تاریخ، این روایات را برنتابیده و در پی کسب علم و دانش به درجات بالایی در دین‌پژوهی رسیده‌اند و از میان ایشان عالمان و فقیهان^{۱۶} و محدثان زیادی از عرب^{۱۷} و غیرعرب^{۱۸} برخاسته است، اما این سیر قهقرایی روایات، مورد استناد بسیاری از متشرعان در برخورد با زنان در طول تاریخ تفسیر ایشان از زن بوده است.

۱. ما افاد امرؤ فائده ... من امرأة حسنة الخلق ودود ولود (عبدالرزاق، بی‌تا: ۴۱۱/۱۰). فامراه ولود ودود تعین زوجها علی دهر الدنيا و آخرته (ابن‌بابویه، ۱۴۰۶ق: ۲۳۴).
۲. سئل- النبی- عن خیر النساء؟ فقال التي تطیع زوجها اذا امر و تسره اذا نظر و تحفظه فی نفسها و ما لها (ابن‌حزم، بی‌تا: ۳۳۴/۱۰).
۳. ان تقعد فی بیتها و تعبد رکها و تطیع زوجها (الذهبی، بی‌تا: ۲۶۰).
۴. جهاد المرأة حسن تبعیها (الفتنی، بی‌تا: ۱۲۹).
۵. احیسوا النساء فی البیوت (ابن‌ابی‌شیمه، ۱۴۰۹ق: ۸۶۷/۳).
۶. ان کید النساء اعظم من کید الشیطان (الفتنی، بی‌تا: ۱۲۸).
۷. عودوا النساء لا فانما سفیهة ان اطعتها اهلکتک (ابن‌حزم، بی‌تا: ۲۸۸/۸).
۸. لا یفعلن احدکم امرأ حتی یتشیر فان لم یجد من یتشیره فلیستشر امرأة ثم لیخالفها فان فی خلافها البرکة (الفتنی، بی‌تا: ۱۲۸).
۹. هلکت الرجال حین اطاعت النساء (ابن‌حبیل، بی‌تا: ۴۵/۵).
۱۰. خالفوا النساء فان فی خلافهن برکة (الفتنی، بی‌تا: ۱۲۸).
۱۱. لن یفلح قوم ولوا امرهم امرأة (البخاری، ۱۴۰۱ق: ۳۶/۳).
۱۲. اذا کانت... امورکم الی نساءکم فبطن الارض خیر من ظهرها (الترمذی، ۱۴۰۳ق: ۳۶۱/۳).
۱۳. ان النساء نواقص العقول (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۹۵۹م: ۲۱۴/۶).
۱۴. لاتسکونهن العرف و لاتعلموهن الکتابة (الفتنی، بی‌تا: ۱۲۸).
۱۵. النساء اسفه السفهاء (الطبری، ۱۴۱۵ق: ۳۲۸/۳).
۱۶. نک. جلالی، ۱۳۹۴.
۱۷. نک. مهریزی، ۱۳۸۷: ۳۳.
۱۸. نک. تمامی، ۱۴۲۲ق: ۳۴-۳۵.

فقیهان برمبنای این روایات، احکامی شرعی صادر می‌کردند و حتی نماز زنان در خانه‌ها را بر نماز در مساجد برتر می‌دانستند (ابن عبدالبر، بی‌تا: ۴۶۶/۲). جصاص (م: ۳۷۰) در حکم خود براعتکاف می‌گفت: «شرط اعتکاف، در مسجد بودن است ولی چون پیامبر فرموده: خانه‌های زنان برای آنها بهتر است پس مسجد زن همان خانه است و اعتکاف او در خانه مثل اعتکاف او در مسجد است» (الجصاص، ۱۴۱۵ق: ۲۵۹/۱). عالمان شیعه نیز تحت تأثیر این روایات می‌گفتند: «شرکت در جماعت فضیلتی برای زن ندارد؛ زیرا او اهلیت حضور در مجامع مردان را ندارد» (المحقق الحلّی، ۱۳۶۴: ۲۹۳/۲).

در منابع روایی مسلمانان روایت «و بیوتن خیر لهن» (أبی داود السجستانی، ۱۴۱۰ق: ۱۳۷/۱)، شاه‌بیت خانه‌نشینی زنان در طول تاریخ مسلمان است که با روایت «احبسوا النساء فی البیوت» (ابن‌ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق: ۸۶۷/۳) عملیاتی شده بود. حال زنانی که باید در حبس خانه‌ها بمانند، در آنجا در تمام عمر چه کنند؟ پاسخ آن بود: «ان تقعد فی بیتهما و تعبد ربهما و تطیع زوجهما» (الذهبی، بی‌تا: ۲۶۰). آنان می‌گفتند این اطاعت از همسران با رسیدگی‌های همه‌جانبه به آنان، برای تان حکم جهاد داشته و شما را به فیوضات عظیم جهاد فی سبیل الله می‌رساند «جهاد المرأة حسن تبعلها» (الفتنی، بی‌تا: ۱۲۹). بدین سان این عبارت به مثابه حکم فقهی و قطعی حضور زنان در خانه، رسمیت یافت و به یک شعار رسمی در قرن چهارم و پنجم هجری تبدیل گردید و سید رضی که کنکاشی در سند روایات نداشته، در چنین سپهر اجتماعی، آن را ذیل حکمت ۱۳۶ نهج‌البلاغه به دست ما رسانده است.

این روایات عقاید به هم پیوسته‌ای را طرح می‌نماید که برخی مفسر برخی دیگر است و در مجموع پیکر واحد منسجمی را ماند که هر بخش آن بخش دیگر را تکمیل می‌کند؛ و لذا در یک نگاه، روح حاکم بر این آموزه‌ها را می‌توان به عنوان یک پارادایم سنتی در یافت. مجموعه این پارادایم که حاصل دیدگاه‌های اجتماعی، شرایط تاریخی، فرهنگی و تجربه زیسته مسلمانان بوده است، امروز علاوه بر انتقاد گسترده زنان، حتی محل تردید جدی دین‌پژوهان معاصر بوده و بازنگری در این‌گونه مدل‌های فکری را پیشنه‌ها نموده‌اند (رک. حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: مهریزی، ۱۳۸۲). در انتها باید توجه داشت نگاه انتقادی به این پارادایم سنتی، نفی وظیفه زنان در خانواده نیست بلکه نفی انحصار و محدودیت در نقش و بازنگری جایگاه زن است تا حیطة و شرایط حضور اجتماعی او مشخص شود. در عین حال که باید در «تعریف خانه داری به معنای سنتی با خانه داری فعال و علمی زن که تأثیر آن در تاریخ و تمدن تأمل برانگیز است» (دیرباز و وفایی صدر، ۱۳۹۴: ۱۷۶) تفاوت اساسی قائل شد.

نتیجه‌گیری

با تحلیل متن و اسناد روایت «جهاد زنان نیک شوهرداری است» در نهج‌البلاغه نتایج زیر حاصل گردید:

- ۱- عبارت «جهاد المرأة حسن التبعل» که تنمه حکمت ۱۳۶ نهج البلاغه است با محتوای اصلی روایت - که گفتمان امر شرعی در عبادت بندگان است، و تفسیری بر ضرورت عمل مؤمنانه بر مبنای تقوا و پاکسازی جسم و جان است و حج را به مثابه جهاد، دارای کمال فضیلت در کسب فیوضات جنگ در راه خدا می‌داند - سازگار نبوده و از عبارات وارد بر این متن بوده و اصطلاحاً ادراج گردیده است.
- ۲- محتوای بیانات علی(ع) در این گفتار، سه امر شرعی و واجب دینی یعنی نماز، حج و روزه است و علی(ع) هر سه واجب الهی را در معانی باطنی آن تفسیر کرده است. در حالی که با وجود پذیرش این تنمه، باید برخلاف بلاغت موجود در نهج البلاغه بپذیریم به یکباره، آن معانی آسمانی به حکم معمولی زنان چرخش کرده و امور مربوط به کارکرد زنان در خانه را همسنگ واجبات الهی قرار داده است و این مستلزم برخورد دوگانه علی(ع) با مفهوم جهاد بوده و از تفسیر قطعی ائمه شیعه در تبیین مضامین عالی دینی به دور است.
- ۳- این عبارت پیش‌تر از نهج البلاغه، در کتب روایی متقدم شیعه وارد شده و در همان متون نیز بر ساخته از راویان سنی مذهب و شیعیان غالی است که هیچ یک از ایشان اعتباری در کتب رجالی شیعه و سنی ندارند.
- ۴- اسناد این روایات در کتب پیش از نهج البلاغه، ضعیف بوده و راویان آن از مطعونین و متهمین به کذب و جعل‌اند.
- ۵- "حسین بن علوان" و بعد از وی "سهل بن زیاد آدمی" از متهمین اسناد این روایت بوده و از بر ساختگان محتمل روایتند.
- ۶- راه یافتن چنین دیدگاه‌هایی در متون رسمی شیعه، رسمیت بخشیدن به تفکر رسمی قرون دوم تا سوم هجری در مورد محدودیت زنان در خانه‌ها بوده است و فقیهان از چنین روایاتی در محدودیت زنان بهره می‌بردند.
- ۷- گردش این اطلاعات تا قرن چهارم و رسیدن آن به متون اهل سنت و نیز الحاق به متون اصلی چون نهج البلاغه نیز، برآیند ذهنیت قطعی متدینان نسبت به محدوده عمل زنان بوده و نمایان‌گر باور آنان به امری رسمی و شرعی در خصوص زنان است و نشان از گفتمان زن ستیزانه قرن دوم تا چهارم هجری دارد.
- ۸- حکمت ۱۳۶ در نهج البلاغه اصالتاً فاقد چنین فرازی با عنوان جهاد المرأة بوده و این متن بر اثر دخالت راویان یا خطای مؤلف، یا بر مبنای پذیرش گفتمان ضد زنان در افواه عمومی، بر این حکمت متعالی "ادراج" گردیده است.
- ۹- در بین شیعه و اهل سنت هیچ وفاقی به اندازه مذمت زنان وجود نداشته و اصولاً چنین گفتمان‌هایی بین ایشان و در کتاب‌های آنان در رفت و آمد بوده است.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن ابی الحدید، ابو حامد عبدالحمید. (١٩٥٩م). **شرح نهج البلاغه**. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد. (١٤٠٩ق). **المصنّف**. بیروت: دارالفکر.
- ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (١٩٦٦ق). **الموضوعات**. المدينة المنورة: المكتبة السلفية.
- ابن جعد، علی بن الجعد بن عبید الجوهری. (١٤١٧ق). **مسند ابن جعد**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن حبان، محمد بن حبان. (بی تا). **المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین**. مکة المكرمة: دار الباز.
- ابن حزم، علی بن احمد بن سعید. (بی تا). **المحلی**. بیروت: دارالفکر.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. (١٤٠٨ق). **العلل و معرفة الرجال**. الرياض: دار الخانی.
- ----- (بی تا). **مسند**. بیروت: دار الصادر.
- ابن خزیمه، محمد بن اسحاق. (١٤١٢ق). **صحیح ابن خزیمه**. تحقیق: أعظمی، بیروت: المكتب الاسلامی.
- ابن داود الحلّی، الحسن بن علی. (١٣٩٢ق). **رجال ابن داود**. النجف الاشرف: منشورات مطبعة الحیدریة.
- ابن راهویه، اسحاق بن ابراهیم. (١٤١٢ق). **مسند ابن راهویه**. المدينة المنورة: مكتب الايمان.
- ابن زین الدین العاملی، حسن. (١٤١١ق). **التحریر الطاووسی**. قم: مكتبة آية الله المرعشي.
- ابن سلامة القضاء، محمد. (١٤٠٥ق). **مسند الشهاب**. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن شعبه، سعید بن منصور. (بی تا). **سنن سعید بن منصور**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (بی تا). **معالم العلماء**. قم: بی تا.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله بن محمد. (بی تا). **الاستذکار**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ----- (١٣٨٧ق). **التمهید**. المغرب: وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامیة.
- ابن غضائری، احمد بن الحسین. (١٤٢٢ق). **الرجال**. قم: دارالحديث.
- ابن کثیر، اسماعیل. (١٩٦٨م). **قصص الانبياء**. تحقیق: مصطفى عبدالوهاب، مصر: دار التألیف.
- ابن ماجه، محمد بن یزید القزوينی. (بی تا). **سنن ابن ماجه**. تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت: دار الفكر.
- ابن میثم بحرانی، میثم بن علی. (١٣٦١). **اختیار مصباح السالکین**. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ابن بابویه، علی. (١٤٠٦ق). **فقه الرضا**. مشهد المقدسة: المؤتمر العالمی للامام الرضا(ع).
- ابوطالب القاضی، محمود محمد خلیل. (١٤٠٩ق). **علل الترمذی الكبير**. بیروت: عالم الكتب.
- ابی داود السجستانی، سلیمان بن الاشعث. (١٤١٠ق). **سنن ابی داود**. تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت: دارالفکر.
- ابی یعلی الموصلی، احمد بن علی. (١٤١٢ق). **مسند ابی یعلی**. سوریه: دارالمأمون للتراث.
- اردبیلی، محمد بن علی. (بی تا). **جامع الرواة وازاحة الاشتباهات عن الطريق و الاسناد**. بیروت: مكتبة المحمدي.
- اسماعیلی، مهدیه؛ خسروی، کبری و نظری، علی. (١٣٩٩). «گونه شناسی نگرش به زن در پژوهش های علمی در پرتو کلام امام علی (ع)». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**. سال هشتم، شماره ٣٢، ٨١-٩٧.
- انصاریان، حسین. (بی تا). **تفسیر حکیم**. قم: دار العرفان.

- بانکی پور فرد، امیرحسین. (۱۳۹۳). **نقش و رسالت زن ۳: زن و خانواده**. تهران: نشر انقلاب اسلامی.
- بحر العلوم، محمد المهدی. (۱۳۶۳). **الفوائد الرجالية**. تهران: مکتب الصادق.
- البخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). **صحیح البخاری**. بیروت: دارالفکر.
- البروجردی، علی اصغر. (۱۴۱۰ق). **طرائف المقال**. قم: مکتبه آیه الله مرعشی النجفی.
- البغوی، عبدالله بن محمد. (۱۴۰۷ق). **جزء البغوی**. السعودية: مکتبه ابن الجوزی.
- بیهقی نیشابوری، محمد بن حسین. (بی تا). **حدائق الحقایق فی شرح نهج البلاغه**، قم: بنیاد نهج البلاغه.
- البیهقی، احمد بن الحسین. (۱۴۱۰ق). **شعب الایمان**. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره. (۱۴۰۳ق). **سنن الترمذی**. بیروت: دارالفکر.
- التفرفشی، مصطفی بن الحسین. (۱۴۱۸ق). **نقد الرجال**. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- تهامی، فاطمة السادات. (۱۴۲۲ق). «دور الایرانیین فی تدوین و نشر الحدیث من القرن الاول حتی الرابع الهجری». **مجلة العلوم الاسلامیة**، السنة ۸، العدد ۲، ۳۴-۳۵.
- الجرجانی، عبدالله بن عدی. (۱۴۰۹ق). **الکامل فی ضعفاء الرجال**. بیروت: دارالفکر.
- الجصاص، احمد بن علی. (۱۴۱۵ق). **احکام القرآن**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جلالی، سهیلا. (۱۴۰۰). «درخشش زنان مسلمان در صدر اسلام». قابل دسترس در پایگاه اینترنتی دانشنامه موضوعی قرآن. (۳ تیر ۱۴۰۰). www.maarefquran.org.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ق). **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**. بیروت: دارالعلم الملايين.
- چراغی و ش، حسین، محمودی سعید، میرزایی الحسینی، محمود. (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان ادبی خطبه جهاد». **فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه**، سال چهارم، شماره ۱۶، ۳۳-۵۵.
- حسینی، عبدالزهراء. (۱۴۰۹ق). **مصادر نهج البلاغه و اسانیده**. بیروت: دار الزهراء.
- حسینی خامنه ای. سید علی. (۱۳۹۲). **نقش و رسالت زن**. تهران: انقلاب اسلامی.
- حلبی، علی بن ابراهیم. (بی تا). **سیره الحلبیة**. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- الحلّی، الحسن بن یوسف بن المطهر. (۱۴۱۷ق). **خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال**. نشر الفقاهة.
- الخطیب البغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷ق). **تاریخ بغداد او مدینة السلام**. بیروت: دارالکتب الاسلامیة.
- الخوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). **معجم الرجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة**. بی جا.
- الدارقطنی، احمد بن عمر بن احمد. (۱۴۱۷ق). **سنن الدارقطنی**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- دارمی، عبدالله بن عبدالرحیم. (۱۴۲۱ق). **سنن دارمی**. ریاض: دارالمغنی.
- دیرباز، عسگر و وفايي صدر، فاطمه. (۱۳۹۴). «بازنگری مبانی فکری-کلامی گوهای اجتماعی زن». **مطالعات راهبردی زنان**، سال ۱۷، شماره ۶۸، ۱۶۷-۲۱۳.
- الذهبی، محمد بن احمد بن عثمان. (بی تا). **الکبائر**. بیروت: دارالخیر.
- ریعان، معصومه. (۱۳۸۵). «نقش زنان در ماجرای سیاسی صفین». **بانوان شیعه**، شماره ۶ و ۷، ۳۴۱-۳۷۰.

- (١٣٩٥). تاريخ گذاري روايات مذمت اجتماعي زنان در منابع فريقيين بر اساس تحليل اسناد و متن. رساله دكترى، دانشگاه قم.
- شبستري، عبدالحسين. (١٤١٨ق). الفائق في رواة و اصحاب الامام الصادق. قم: مؤسسه النشر الاسلامي.
- شوشترى، محمديقى. (١٣٦٧). نهج الصباغة في نهج البلاغة. تهران: دار اميركبير للنشر.
- الشهيد الثانى، زين الدين بن على العاملى. (١٤١٢ق). مسالك الأفهام الى تنقيح شرايع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلاميه.
- الصدوق، محمدبن على بن الحسين. (١٤٠٣ق). الخصال. قم: منشورات جماعة المدرسين في الحوزة العلميه.
- (١٤١٠ق). الفقيه من لا يحضره الفقيه. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- (١٤١٨ق). الهداية. قم: مؤسسه الامام الهادي.
- الطبراني، ابوالقاسم سليمان بن احمد. (بى تا). المعجم الكبير. بيروت: داراحياء التراث العربي.
- الطبرى، محمد بن جرير. (١٤١٥ق). جامع البيان عن تأويل آي القرآن (تفسير الطبرى). بيروت: دارالفكر.
- الطوسى، محمد بن حسن. (١٤٠٤ق). الاختيار فى معرفة الرجال (رجال الكشى). قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.
- (١٤١٥ق). رجال الطوسى (الابواب). قم: مؤسسه النشر الاسلامي التابعة لجماعة المدرسين.
- (١٤١٧ق). الفهرست. قم: مؤسسه نشر الفقاهة.
- (بى تا). التبيين فى تفسير القرآن. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- الطيالسى، ابوسليمان بن داود بن الجارود. (بى تا). مسند ابى داود الطيالسى. بيروت: دارالمعرفة.
- العاملى، جعفر مرتضى. (١٤١٢ق). الآداب الطبيبة فى الاسلام، لبنان: دارالبلاغة.
- عاملى، حسين جمعه. (بى تا). شروح نهج البلاغه، ٢١٠ شروح. بيروت: مطبعة ورنكوغراف الفكر.
- عبدالرزاق الصنعانى، ابى بكر. (بى تا). المصنّف. تحقيق الاعظمي، بي جا.
- العجلونى، اسماعيل بن محمد. (١٤٠٨ق). كشف الخفاء و مزيل الالباس عما اشتهر من الاحاديث على السنة الناس. بيروت: دارالكتب العلميه.
- عطايى، آرزو. (١٣٨٧). «لايحه‌اى براى حمايت از مردان پول دار». نشرية گزارش، شماره ٢٠٠، ١-٣.
- العلوى العاملى، أحمد بن زين العابدين. (بى تا). مناهج الأخيار فى شرح الاستبصار. بي جا.
- الفتنى، محمد طاهر بن على. (بى تا). تذكرة الموضوعات. بي جا.
- القارى، ملاعلى. (١٤٠٦ق). الاسرار المرفوعة فى الاخبار المرفوعة (الموضوعات الكبرى). الطبعة الثانية، بيروت: المكتب الاسلامي.
- قرشى، على اكبر. (بى تا). قاموس قرآن. تهران: دارالكتب الاسلاميه.
- قوام السنه الاصفهاني، اسماعيل بن محمد بن الفضل التيمى. (بى تا). دلائل النبوة. الرياض: دارالعاصمة للنشر و التوزيع.

- الكجورى الشيرازى، مهدي. (۱۴۲۳ ق). الفوائد الرجالية. قم: دارالحديث.
- الكرباسى، محمدجعفر. (۱۳۸۲). إكليل المنهج في تحقيق المطلب. قم: دارالحديث.
- الكلينى، محمدبن يعقوب. (۱۳۶۳). الاصول من الكافي. تصحيح على أكبر الغفارى، تهران: دارالكتب الاسلامية.
- الكنانى، على بن محمد. (بى تا). تنزيه الشريعة المرفوعة عن الاخبار الشنيعة الموضوعة. مصر: مكتبة القاهرة.
- گلديزير، ايگناس و ديگران. (۱۳۹۴). تاريخ گذارى حديث روشها و نمونهها. به كوشش و ويرايش سيد على آقابى، تهران: انتشارات حكمت.
- مالك بن أنس، عبدالرحمن بن القاسم. (۱۴۰۲ ق). الموطأ. بيروت: داراحياء التراث العربى.
- مامقانى، عبدالله. (بى تا). غاية الآمال. (ط. ق)، بى جا.
- المتنقى الهنّدى، علاء الدين بن حسام الدين. (۱۴۰۹ ق). كنز العمال فى سنن الأقوال و الأفعال. مؤسسة الرسالة.
- المحقق الحلى، ابوالقاسم جعفر بن الحسن. (۱۳۶۴). المعتمِر. قم: مؤسسة السيد الشهداء (ع).
- محمدى رى شهري، محمد. (بى تا). دانش نامه قرآن و حديث. قم: دارالحديث.
- ----- (۱۳۹۷). شناخت نامه حديث. قم: دارالحديث.
- مدنى، بتول. (۱۳۹۲). «نقش زنان در جنگهاى عصر حكومت على (ع)». فرهنگ پژوهش، شماره ۱۳، ۳-۴۴.
- مديرشانه جى، كاظم. (۱۳۹۶). دراية الحديث. قم: دفتر انتشارات اسلامى جامعه مدرسين حوزه علميه قم.
- المزمى، يوسف. (۱۴۰۶ ق). تذيب الكمال فى اسماء الرجال. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- المسعودى، على بن الحسين. (۱۳۸۵ ق). مروج الذهب و معادن الجواهر. قم: منشورات دارالهجرة ايران.
- معينى كربندى، اعظم. (۱۳۸۴). «نقش سياسى زنان در حكومت حضرت على (ع)». فصلنامه نامه جامعه، شماره ۱۳، ۵۶-۶۵.
- مهرىزى، مهدي. (۱۳۸۷). سهم زنان در نشر حديث. قم: دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.
- ----- (۱۳۸۲). شخصيت و حقوق زن در اسلام. تهران: علمى و فرهنگى.
- النجاشى، احمد بن على بن احمد. (۱۴۱۶ ق). فهرست اسماء مصنفى الشيعة. قم: مؤسسة النشر الاسلامى لجماعة المدرسين.
- نجفى، محمدحسن. (۱۳۶۲). جواهر الكلام فى شرح شرايع الاسلام. تهران: دارالكتب الاسلامية.
- نمازى شاهرودى، على. (۱۴۱۸ ق). مستدرک سفينة البحار. قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين.
- نورزاد، مجتبه؛ مسجدسرايى، حميد و فيض، زهرا. (۱۳۹۹). «نگاهى نو به حكم فقهى جهاد زن». مجله پژوهشهاى فقهى، شماره ۴۰، ۸۱-۱۰۴.
- وحيد بهبهانى، محمد باقر. (بى تا). تعليقه على منهج المقال. بى جا.